

به نام خدا

دوازدهمین نشست از سلسله نشست‌های در محضر نور، شنبه هجدهم اردیبهشت‌ماه، مطابق با بیست‌وپنجمین روز از ماه مبارک رمضان برگزار شد. در این وبینار، حجه الاسلام دکتر ایازی، با موضوع «اهمیت و صداقت و راست‌گفتاری و صداقت در عمل» سخنرانی کرد.

آقای دکتر ایازی که پیش از این در دو نشست از سلسله جلسات محضر نور با همین عنوان و موضوع سخنرانی کرده بودند، با ارجاع به مباحث پیشین، سخنرانی خود را با ذکر اهمیت صداقت در عمل نزد امام علی (ع) آغاز کردند. ایشان اشاره کرد که در تاریخ زندگی و زمامداری حضرت، حوادث متعددی رخ داده است که در همه آنها امام علی (ع) بر اساس همان پیمان روز اول، یعنی وفاداری به حقوق مردم و امانت‌داری از بیت‌المال تصمیم گرفته و عمل کرده است. ایشان بار دیگر با اشاره به داستان امانت خواستن گرنبند توسط دختر امام علی (ع) از خزانه بیت‌المال و خشم و ناراحتی امام از دختر خویش و خزانه‌دارش، به اهمیت امانت‌داری به عنوان مصداق صداقت در عمل نزد حضرت تأکید کردند. نمونه‌های دیگری در دوران حکومت امام علی (ع) رخ داده است که با توجه به آنها می‌توان مشی امام را در توجه به بیت‌المال استنباط کرد. برای مثال داستان عقیل که از امام علی (ع) تقاضای سهم بیشتری از بیت‌المال داشت و مشهور است که امام به شدت مخالفت ورزیدند. نمونه دیگر داستان مراجعت طلحه و زبیر به خانه امام علی (ع) است. در آن هنگام امام زیر نور چراغ مشغول به نوشتن و رسیدگی به کارهای حکومت بودند و هنگامی که کارشان تمام شد و به پذیرایی مشغول شدند چراغ را تغییر دادند، مهمانان دلیل این کار را جویا شدند و علی (ع) فرمودند ابتدا مشغول کارهای زمامداری بودم و از چراغ بیت‌المال استفاده می‌کردم، اما شما مهمان شخصی من هستید و دیگر جایز نیست از بیت‌المال استفاده کنم. از طرفی طلحه و زبیر نیز برای درخواست سهم بیشتری از بیت‌المال آمده بودند. زبیر که پسرعمه امام بود و در ماجرای شورا و قضیه سقیفه بنی‌ساعده همراه علی (ع) بود و به همراه طلحه از عشره مبشره بودند و در بسیاری غزوات نیز شرکت داشتند، انتظار داشتند درخواستشان برای اضافه سهم از بیت‌المال پذیرفته شود، اما علی (ع) در برابر این خواست مقاومت کرد. اینها و نمونه‌ها فراوان دیگر نشان از صداقت علی (ع) در عمل دارد.

از پیامبر (ص) نیز روایات بسیاری در اهمیت صداقت آمده است، از جمله در روایتی آمده است: **غَدَاً مِّنِّي فِي الْمَوْقِفِ أَصْدَقُكُمْ لِلْحَدِيثِ**. نزدیکترین شما به من در قیامت، راست‌گوترین شماست.

دکتر ایازی در ادامه سخنان خود درباره توجه به صداقت در عمل در عین حکومت و قدرت چنین گفت که یکی از ویژگی‌های مهم امام علی (ع) در میان ائمه معصومین این بود که ایشان قدرت و حکومت را تجربه کرده بودند و آفات و خطرات آن را به خوبی می‌شناختند. در تاریخ حاکمی را نمی‌شناسیم که چون مولا علی (ع) از مردم بخواهد، بلکه تمنا کند او را نقد کنند و نقد حکومت را جزء حقوق مردم بدانند و بگویند فَلَا تُكَلِّمُونِي بِمَا تُكَلِّمُ بِهِ الْجَبَابِرَةُ... و در ضمن تأکید می‌کردند وقتی می‌خواهید با من صحبت کنید با القاب و ... حرف نزنید و به صراحت سخن خود را بیان کنید؛ از حقوق مردم نسبت به حاکمان النَّصِيحَةُ لِلْأُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ است. امام می‌داند که اگر قدرت طولانی شود و نقد نشود روز به روز برای خود وجه شرعی می‌سازد و به بهانه از بین رفتن دین، مخالف را سرکوب می‌کند. حتی آمده است که در مجلسی، فردی تعبیر تندی خطاب به امام گفت و فرد دیگر پاسخ داد، اما دیگری اکتفا نکرد و شمشیر کشید. امام او را بازداشت و به او فرمود شمشیرت را زمین بگذار او حرفی زد و صحبتش با صحبت دیگر پاسخ گرفت؛ باید حق نقد و صراحت کلام را به افراد داد. امام در تعبیری زیبا فرمودند الْقُدْرَةُ تُظْهِرُ مَحْمُودَ الْخِصَالِ وَ مَذْمُومَهَا: قدرت، خصلت‌های پسندیده و نکوهیده را آشکار می‌سازد، در واقع قدرت درون و عیار انسان‌ها را آشکار می‌کند.

دکتر ایازی در ادامه سخنان خود درباره نسبت قدرت و صداقت حاکمان گفت در روایتی از پیامبر آمده است الْعُلَمَاءُ أَمْنَاءُ الرِّسْلِ، مَا لَمْ يَخَالَطُوا السُّلْطَانَ، وَ يُدَاخِلُوا الدُّنْيَا، فَإِذَا خَالَطُوا السُّلْطَانَ، وَ دَاخَلُوا الدُّنْيَا، فَقَدْ خَانُوا الرِّسْلَ، فَاحْذَرُوهُمْ. علماء، امناء پیامبرانند تا وقتی که وارد دنیا نشده‌اند؛ دخول در دنیا چیست؟ تابع قدرت بودن و تمجید از قدرت. این نشان‌دهنده رابطه میان صداقت و مسئله قدرت اجتماعی و مردم است. چنانکه در جلسه گذشته هم از پیامبر نقل شد که يَا عَلِيُّ إِيَاكَ وَالْكَذِبَ فَإِنَّ الْكَذِبَ يُسَوِّدُ الْوَجْهَ دروغگو سیاه‌چهره، کنایه از روسیاه و بی‌آبرو، است و إِنَّ الْأَصْدَقَ يُبَيِّضُ الْوَجْهَ راست‌گویی چهره انسان را سفید می‌کند و به تعبیری راست‌گو روسفید است. نام حاکمان راست‌گو در تاریخ به نیکی می‌ماند و برعکس ریاکاران و تظاهرکنندگان نامشان نیز سیاه است. تفاوت علی (ع) و معاویه در چیست؟ مگر نه اینکه معاویه تظاهر به دین و دین‌داری می‌کرد و تلاش می‌کرد علی را خارج از دین نشان دهد تا حدی که برخی بعد از شنیدن خبر ضربت خوردن علی (ع) در محراب با تعجب می‌پرسیدند مگر علی نماز هم می‌خواند. اما تاریخ اکنون چه می‌گوید؟ نسایی عالم اهل سنت، فقط ۲۰۰ سال پس از معاویه در ذم معاویه گفت و نوشت و دیگر مشخص است که در تاریخ چه کسی به نام نیک باقی مانده است.

بدون شک آنچه برای کارگزار مردم باقی می ماند و باعث دعای خیر است راستی و درستی است و آنچه کارگزار مردم را سیاه چهره می کند صادق نبودن با مردم است.